

یادکردی از شهدای لشکر انصارالحسین (ع) همدان در عملیات مرصاد در گفت‌وگوی «جوان» با رزمنده این لشکر

تنگه چهارزبر را با تقدیم ۱۴۰ شهید روی لشکر نفاق بستیم



آرمان شریف

لشکر انصارالحسین (ع) همدان نقش مهمی در عملیات مرصاد ایفا کرد و رزمندگان لشکر، اولین نیروهای بودند که مقابل نفوذ منافقین ایستادند و اجازه پیشروی به آنها ندادند. ایستادگی و مقاومت نیروهای همدانی، سد محکمی مقابل منافقین شد و راه را بر آنها بست. همین مقاومت سبب شد تا نیروهای لشکرهای دیگر برسند و منطقه را پاکسازی کنند. لشکر انصارالحسین (ع) همدان به واسطه همین ایستادگی شهدای زیادی را هم در راه عملیات مرصاد داد. بنا بر آمار، ۱۴۰ رزمنده همدانی در جریان عملیات مرصاد به شهادت رسیدند. رزمنده جانباز مصطفی عبدالعزیزاده، از نیروهای این لشکر، روایت‌هایی گرم و خودمانی از مقاومت و شهادت رزمندگان دارد که در ادامه می‌خوانید.

مقاومت اولیه

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ رزمندگان در حال عقب‌نشینی از جبهه‌ها بودند که مسعود رجوی تمام نیروهایش را حتی کسانی که در کشورهای غربی بودند و تا به حال اسلحه به دست نگرفته بودند به سمت یادگان اشرف گسیل کرد و مشغول دادن آموزش‌های نظامی شد.

صدام و حامیانش نیز امکانات و تجهیزات خوبی در اختیارش قرار داده بودند. مثلاً از بیسیم‌های قدرتمندی استفاده می‌کردند که ما در جبهه‌هایمان ندانستیم. یا توپوهای نسل جدید که دو پاک‌باز بنزین داشت و به منافقین داده و از لحاظ تسلیحاتی نیز آماده و تجهیز شده بودند.

آنها با این خیال خام که پس از ورود به کشور مردم به آنها می‌پیوندند عملیات‌شان را شروع کردند. قبل از ورودشان از مرزها نیز ارتش بعث منطقه را بمباران کرد و پشتیبانی هوایی خوبی از منافقین انجام داد. آنها بدون دردسر از سرپل ذهاب تا کرند غرب حرکت کردند و در بین راه جنایت‌های زیادی نیز انجام دادند. در اسلام‌آباد یادگان الله اکبر را می‌گیرند و فرمانده یادگان را اعدام می‌کنند. در بیمارستان اسلام‌آباد نیز دست به جنایت می‌زنند و خیلی از مجروحان را به شهادت می‌رسانند.

منافقین در ساعات اولیه عملیات خوشحال و سرمست از پیروزی بودند. هر چه بیشتر نفوذ می‌کردند دست به پاکسازی شهرها می‌زدند. ۲۰ کیلومتر پس از اسلام‌آباد، کرنده حسن‌آباد قرار دارد و بعد از گردنه، دشتی وسیع و بعد از دشت گردنه چارزبر است.

منافقین وقتی وارد گردنه حسن‌آباد می‌شوند تعدادی از نیروهای لشکر ۹ بدر و انصارالحسین (ع) مقابل‌شان می‌ایستند و پس از این درگیری به چارزبر می‌رسند.

یادگان شهید شهبازی در سمت چپ زبرها قرار دارد و در این منطقه دیگر نیروهای لشکر انصار حضور داشتند و سریع متوجه حمله منافقین می‌شوند. شهید حاج میرزا سلگی، راوی کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» مسئول ستاد بود و همه نیروها را به خط کرد و خاکریز کوچکی در چهارزبر زد.

فرشتگان خداوند

پس از زدن خاکریز، مقاومت اصلی توسط جبهه‌های لشکر انصارالحسین (ع) شروع می‌شود. رفته رفته خبر به عقبه می‌رسد. شهید صیاد شیرازی سریع با هلی‌کوپتر شناسایی‌ها را انجام می‌دهد و در جمع رزمندگان می‌گوید فرشتگانی از طرف خداوند مأمور شده و جلوی منافقین را در چهارزبر گرفته‌اند که بعد اشاره می‌کند منظورش از فرشته‌ها جبهه‌های همدان هستند. بعد از این صحبت‌ها، شهید صیاد

چیت‌سازبان بود که با رفتن فرمانده‌اش بیش از قبل احساس تنهایی می‌کرد. نیروها عمو هادی صدایش می‌زدند بی‌هیچ نام و عنوان دیگری. در کارها خیلی جدی بود. عمو هادی یک دختر به نام زینب داشت و عاشقانه مهر دخترش در دلش موج می‌زد. حس خاص پدرانه‌ای به دخترش داشت که سبب می‌شد هر زمان که با هم‌زمانش حرف می‌زد از دخترش برای نیروها بگوید. با عشق زیادی از فرزندش سخن می‌گفت و مشخص بود تمام وجودش مهر و محبت نسبت به دخترش است. عمو هادی با وجود این عشق از منطقه مساوت بودند توپ در گردان غواصی می‌خورد و باعث شهادت چند نفر از رزمندگان می‌شود. حمیدرضا وثوقی، مجتبی صاحب‌زمانی، بشیری و چند نفر دیگر به شهادت می‌رسند. آن زمان بین نیروها رسم بود وقتی دوستان شهیدشان را دفن می‌کردند، آنها در شب اول قبرشان بالای مزار شهدا به باغ بهشت می‌رفتند و تا نماز صبح کنار رفقایشان می‌ماندند.

رفیقی به نام مرتضی محمودیان داشتیم که همسن و سال خودمان بود و ۱۹، ۲۰ سال سن داشت. رفیقش مجتبی صاحب زمانی را آن شب دفن کرده بودند. او هم بالای سر دوستش آمده بود و بالای مزار او دراز کشیده و دستش را گردن خاک انداخته و خوابیده بود.

من بالا سرش رگم و کلی حرف زدیم و آن شب خیلی گرمی کرد. گفت دوست دارم همین جا دفن شوم و دیگر طاقت ندارم و با رفتن مجتبی چیزی برایم نمانده است. هنوز قطعنامه پذیرفته نشده بود. ما بلند شدیم و آمدیم و کمتر از دو هفته بعد عملیات مرصاد شروع شد و مرتضی محمودیان در این عملیات به شهادت رسید و درست همانجایی که اشاره کرده بود بالای سر مجتبی که دراز کشیده بود مرتضی را دفن کردند.

مرتضی فوق‌العاده پسر آرام، با معرفت و از آن شخصیت‌های باارام و دوست‌داشتنی بود. شهید حمیدرضا یوسفی نیز یکی دیگر از نیروهای لشکر و از جبهه‌های تویسرکان بود که سن خیلی کمی داشت و در همین عملیات به شهادت رسید.

عمو هادی

شهید هادی فضل‌ی چشم‌راست شهید علی مرصاد اتفاق عجیبی بین یکسری آدم‌هایی بود که دلشان می‌خواست از قافله عقب نمانند. تقریباً یکی دو هفته‌ای قبل از پذیرش قطعنامه که نیروها در حال عقب‌نشینی از منطقه مساوت بودند توپ در گردان غواصی می‌خورد و باعث شهادت چند نفر از رزمندگان می‌شود

عقبه‌نشینان



فرمانده سرباز

شهید علیرضا مطلوب از سال ۱۳۶۶ در اطلاعات عملیات لشکر حضور داشت و از نیروهای خوب شهید چیت‌سازبان بود. مسئولیت تیم مسئول گشت و شناسایی اطلاعات - عملیات را برعهده داشت و به میرزا معروف بود. در اطلاعات عملیات رسم تیربارچی نیز امیررضا نوروزی بود. وقتی با تیربار جلوی منافقین را می‌گیرد، کمک می‌دهند و به شهادت می‌رسانند.

منافقین می‌بینند اینجا مقاومت زیادی انجام می‌شود، منطقه را دور می‌زنند و از پشت سر با خمپاره یا آرپی‌جی رمضان را مورد هدف قرار می‌دهند و به شهادت می‌رسانند. امیررضا نوروزی نیز مجروح می‌شود و نیروها او را عقب می‌آورند ولی او به دلیل شدت جراحتش به شهادت می‌رسد. رزمندگان پیکر رمضان سسرایی را کمی عقب می‌آورند ولی در منطقه می‌ماند. خبر شهادت رمضان هنوز به ناصر نرسیده بود. او در جای دیگری در حال بردن مهمات بود که به او می‌گویند رمضان شهید شده است. ناصر بی‌درنگ به دنبال برادرش می‌رود ولی خبری از او پیدا نمی‌کند و دیگر از خودش هم خبری نمی‌شود.

عملیات مرصاد تمام می‌شود و جبهه‌ها دنبال تفحص در منطقه‌ای که رمضان به شهادت رسیده بود می‌شوند. حال دیگر نه پیکر رمضان پیدا می‌شود و نه خبری از ناصر بود. در این روزها به خانواده سربا بسیار سخت می‌گذرد و دنبال خبری از ناصر هستند. گویا تیمی هم درست می‌کنند که تا تیرزیر می‌رود و تمام بیمارستان‌ها را می‌گردد ولی خبری یافت نمی‌شود. یک ماه بعد از عملیات مرصاد، پدر شهیدان سربا با روحه خیلی بالایی به منطقه می‌رود و همراه دو برادریش می‌رود.

رفتارهای ۲ برادر

رضان ناصر سربایی دو برادری بودند که در عملیات مرصاد به شهادت می‌رسند. رضان متولد ۱۳۴۶ و ناصر ۱۳۴۷ بود. ناصر جنه بزرگ‌تری از برادرش داشت. برادر بزرگان نیز قبلاً جانباز شده و با وجود جانبازی‌اش دوباره در عملیات مرصاد شرکت می‌کند. این دو برادر در جبهه همیشه با هم بودند و رفاقت خاصی با هم داشتند و بسیار به هم وابسته بودند. بارها کنار یکدیگر در

احمد تبریزی

سرگذشت پدر و پسر خانواده عابدی تهرانی در دفاع مقدس، از زلالی و صفای خانواده‌های حرف می‌زند که بدون ادعا و بی‌هیچ حرف و انتظاری راهی جبهه شدند تا دست دشمنان از خاک کشورمان کوتاه بماند. ماجرای شهیدان این خانواده بسیار خواندنی است. نخست پسر خانواده در سال ۱۳۶۵ آسمانی می‌شود و پدر خیلی دوری تنها پسرش را تاب نمی‌آورد و دو سال بعد در عملیات مرصاد شهید می‌شود و به فرزند شهیدش می‌پیوندد.

شهید غلامرضا عابدی تهرانی شش پسر و یک دختر داشت و به عشق صاحب‌الزمان (عج) نام یکی از پسرانش را مهدی گذاشت. غلامرضا در ارتش خدمت می‌کرد و با شروع جنگ تحصیلی خیلی زود عازم جبهه شد و در بخش‌های مختلفی شروع به فعالیت کرد. در روزهایی که پدر خانواده در جبهه مشغول خدمت و جهاد بود، پسر ۱۵ ساله‌اش نیز تصمیم گرفت راهی جبهه شود. مهدی در سال ۱۳۶۵ عزمش را جزم کرد تا برای نخستین بار پا به جبهه بگذارد. سنش کم بود و به همین دلیل با اعزامش مخالفت می‌کردند. وقتی مادر خانواده به مهدی گفت: «آخر تویی خواهی بروی چه کار کنی؟» مهدی جواب مادر را اینگونه داد: «حداقل می‌توانم برای رزمنده‌ها هدیه‌های قاچ کنم، بخورند که بتوانند بروند بجنگند». بالاخره مهدی با سپاه انصارالحسین (ع) همدان به جبهه رفت و تخریبچی شد. مهدی خیلی زود در جبهه شهید شیرین شهادت را نوشید و آسمانی شد. شهید مهدی عابدی تهرانی در ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ در جزیره مجنون به شهادت رسید.



شهید غلامرضا عابدی تهرانی شش پسر و یک دختر داشت. او در ارتش خدمت می‌کرد و با شروع جنگ تحصیلی خیلی زود عازم جبهه شد و در بخش‌های مختلفی شروع به فعالیت کرد. در روزهایی که پدر خانواده در جبهه مشغول خدمت و جهاد بود، پسر ۱۵ ساله‌اش نیز تصمیم گرفت راهی جبهه شود و به فرزند شهیدش می‌پیوندد.

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ تا طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۲۶۴

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ک | ر | م | ن | ی | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| ی | م | ن | ی | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر | م |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |
| م | ر | ی | ک | ر | م | ی | ا | ه | ا | م | ر | ی | ک | ر |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | | ۴ | ۱ | |
| ۷ | ۸ | | ۵ | | ۳ |
| | | ۱ | ۷ | ۴ | |
| | | ۲ | | ۸ | ۶ |
| | | | ۷ | ۵ | |
| | ۶ | ۳ | | | |
| | | | ۸ | | ۹ |
| | | | | ۱ | |
| | | | ۲ | | |

| | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ۵ | ۷ | ۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | | | |

جدول

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | |

از راست به چپ

۱- نفیس - قیمت بی‌چک و چونه ۲- دختر خالد را - ناحیه‌ای در افغانستان - کم‌ان هم زیاد است ۳- هواپیمای جاسوسی - ایریش مصنوعی - غلام حضرت علی (ع) ۴- زاین قدیم - راز - کشور ساعت‌سازان ۵- اراده - شهری در کرمان - بالارفتن بی‌رویه سطح قیمت‌ها - زیر پامانده ۶- دشمن فرشته - آشکار شدن - سومین فرمانروای سلسله خوارزمشاهی ۷- سرنیزه - ضد زمینی - سیم زمین در اصطلاح برهنگاران ۸- شهری در استان قزوین - نوعی هنر رزمی کره‌ای و از انواع دفاع شخصی ۹- آدم جدی و سختگیر - کلاتر - جانشین ۱۰- سمت راست - عزرا - سلام فرنگی ۱۱- همراه پیش - گردن‌آویز قهرمان - دوست بی‌ریا - بهتر از بدتر ۱۲- یواش - تصدیق انگلیسی - قابله ۱۳- کلمه احتمال - خوشبوی و قرابت - هنری که صنعت شده است ۱۴- مصالح ساختمانی - سبزی خودروی معطر برای ماست - کوهنورد ایتالیایی که بدون استفاده از کپسول اکسیژن اورست را فتح کرد ۱۵- پدر سام - پایتخت شیلی

از بالا به پایین

۱- اهل بلن و بخشش بودن - قطب مهم کالیفرنیا ۲- خودروی ارتش - شهری در هرمزگان - کوچنده به شهر و دیار دیگر ۳- مهلت - فیلم دسیکا - جزیره‌ای در خلیج فارس ۴- صدمه دیده - پوزه - امتداد یافته ۵- شهر تمشه‌ریب - لاغر - ویتمین جدولی ۶- خاموش فرنگی - جنگلی در شاه‌رود - معتملمان - برکت سفره ۷- بازیکن تیم همی - شمشیر پولادین - از افات درختان میوه ۸- شهری در آذربایجان شرقی - بازی محلی - زهر - پوست گندم ۹- خانه آذری - تلاه دیدنی مصر - از حروف یونانی ۱۰- سخن تالود - ضروری - هسته گیاه - پول کشور میزبان المپیک ۲۰۲۰ ۱۱- حرون دهان - درجه‌داری در نظام - شیره بخشنده ۱۲- سمنان قدیم - کبر نشده - یک‌رنگ ۱۳- علم ذاتی - آمدگی طبیعی در استخوان بدن - خبرگزاری ایتالیایی ۱۴- شهر کرندشین عراق - وسیله یافتن منبع امواج رادیویی - گیج ۱۵- دیستان - در این صنعت حیاتی کشورمان تقریباً به خودکفایی رسیده است